



Essays in
Philosophy and Kalam

Vol. 49, No. 2, Issue 99

Autumn & Winter 2017-2018

DOI: 10.22067/islamic-philosophy.v49i2.41622

جستارهایی در
فلسفه و کلام

سال چهل و نهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۹۹

پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۸۳-۱۰۲

تحلیل و مفهوم‌شناسی کلامی اصطلاح «دین علی (ع)» در منابع روایی فریقین*

دکتر مجتبی سپاهی^۱

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان

Email: m.sepahi@ltr.ui.ac.ir

سید مهران طباطبائی

دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان

Email: mehrran.tabatabaei@gmail.com

چکیده

لغت «دین» دارای معنای لغوی و اصطلاحی معینی است که طاعت و انقیاد از لوازم معنایی و اصطلاحی آن است. اصطلاح «دین علی (ع)» که دارای معنایی متفاوت از کاربرد کلمه سنت برای خلفای پیامبر (ص) است (سنت ابوبکر، سنت عمر)؛ توسط ائمه (ع)، پیروان علی (ع) و دشمنان وی استعمال شده است. در روایات فریقین، اضافه نام شخص به کلمه «دین» منحصر به علی (ع) نیست، بلکه در مورد عثمان، معاویه، یزید بن معاویه، اوصیاء، ملانکه، فاطمه (س) و حسنین (ع) نیز اطلاق شده است. در نهایت با بررسی منابع روایی مشخص می‌شود که رویکرد فقهی و قضائی و رویکرد سیاسی علی (ع) علت انحصار اضافه کلمه «دین» به نام علی (ع) در میان خلفا است. برخلاف اعتقاد برخی خاورشناسان، «دین علی (ع)» همان «دین محمد (ص)» است. شایان ذکر است، علی (ع) دارای مبانی معین و مشخص فقهی، قضائی و سیاسی متمایز از خلفا بود؛ اما به علت عدم تبعیت مردم از قوانین مورد نظر وی و اصرار آن‌ها بر اجرای سنن خلفا پیشین، ناگزیر برخی از این سنت‌ها در حکومت علی (ع) نیز اجرائی شد، ولی این هرگز به معنایی عدم تحقق سنت و سیره فقهی-قضائی علی (ع) نیست.

کلیدواژه‌ها: مفهوم‌شناسی، دین، علی (ع)، دین علی (ع)، روایات، دین محمد (ص)

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۹/۰۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۱/۱۷.
مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته شیعه‌شناسی گرایش کلام اسلامی
۱. نویسنده مسئول

مقدمه

اصطلاح‌شناسی و توجه به معنای اصطلاحات به کار رفته در هر زمان و تفسیر مطابق با معانی معین در همان عصر، از مسائل مهمی است که در شناخت دقیق وقایع تاریخی بسیار مهم و رفع‌کننده بسیاری از پیچیدگی‌های تاریخی و کلامی است. لذا در جهت رفع ابهام یکی از موارد اصطلاح‌شناسی، در این پژوهش به تحلیل و مفهوم‌شناسی کلامی اصطلاح «دین علی (ع)» خواهیم پرداخت.

آیا «دین علی (ع)» همان دین اسلام و دین محمد (ص) است؟ چگونه می‌تواند کسی این اصطلاح را توضیح دهد در حالی که دین علی (ع) با عبارات معجزا از دین محمد (ص) به کار می‌رفته است؟ معنای «دین» چیست و در زمان صحابه پیامبر (ص) دارای چه معنایی بود؟ آیا اصطلاح «دین علی (ع)» تنها توسط مخالفان علی (ع) استعمال شد تا بتوان آن را ساخته دشمنان دانست؟ واکنش علی (ع) در مقابل به کارگیری این اصطلاح چه بود؟ آیا به غیر از پیامبر (ص)، علی (ع) تنها شخصی بود که این اصطلاح در مورد او به کار گرفته شد؟ چرا همچون خلفا- که در مورد آن‌ها عباراتی چون «سنت عمرین» به کار گرفته شد- به جای اصطلاح «دین علی (ع)» اصطلاح «سنت علی (ع)» مورد توجه نبود؟ و در نهایت علت اطلاق اصطلاح «دین علی (ع)» چه بود؟

عدم توجه به سؤالات مذکور، سبب شده است تا برخی خاورشناسان، با تفکیک میان اصطلاحات «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)»، «دین علی (ع)» را مرکب از اعتقادات اعراب قدیم، یهودیت، مسیحیت و مفاهیم قرآنی محتوی اندیشه خویشاوندی و نسبی، و معنویت نشأت گرفته از رابطه خویشاوندی، نسبت به پیامبر (ص) دانسته و مذهب تشیع را به عنوان امتداد گسترش یافته‌ای از «دین علی (ع)» معرفی کنند.

در این پژوهش، پس از تبیین معانی لغوی و اصطلاحی «دین» و معنای آن در کلام علی (ع)، به تبیین تفاوت اصطلاحات «دین» و «سنت» در زمان صحابه، شهرت اصطلاح «دین علی (ع)» در زمان پیامبر (ص)، استفاده ائمه (ع) و شیعیان و دشمنان علی (ع) از اصطلاح «دین علی (ع)»، بررسی واکنش علی (ع) در مقابل استعمال اصطلاح «دین علی (ع)»، تبیین ائمه (ع) از اصطلاح «دین علی (ع)»، بررسی موارد اطلاق پیشوند «دین» در مورد اشخاص در روایات فریقین، علت اطلاق اصطلاح «دین علی (ع)» و در نهایت علل همسانی «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که روش پژوهش در این تحقیق تاریخی-کلامی می‌باشد.

اصطلاح «دین علی (ع)» از منظر خاورشناسان

ویلفرد مادلونگ، در کتاب «جان‌شینی حضرت محمد (ص)» با اشاره به برخی متون و روایاتی که در

آن‌ها عبارت «دین علی (ع)» وجود دارد، بکارگیری عبارت مذکور را این گونه تبیین می‌کند: «دین علی (ع) می‌تواند فقط یک معنی محدود داشته باشد. بهترین ادعا این است که علی بعد از محمد بهترین مرد است. علی، وصی پیامبر (ص) است و او بیشترین حق را برای هدایت جامعه و مردم دارد.» (Madelung, 1997:178-179)

محمدعلی امیرمعزی، با طرح این سؤال که چگونه می‌توان واژه «دین علی (ع)» را توضیح دهد درحالی که اسلام و دین محمد (ص) به عنوان اصطلاحاتی مجزا به کار می‌رفته است (Amir-Moezzi, 2011:1) به بررسی متون روایی که در آن‌ها عبارت «دین علی (ع)» به کار رفته است، می‌پردازد. وی با ادعای انحصار بکار رفتن کلمه «دین» در مورد علی (ع) و بررسی عقاید مردم پیش از اسلام و متون قرآنی، «دین علی (ع)» را مرکب از اعتقادات اعراب قدیم، یهودیت، مسیحیت و مفاهیم قرآنی محتوی اندیشه خویشاوندی و نسبی و معنویت نشأت گرفته از رابطه خویشاوندی نسبت به پیامبر (ص) می‌داند؛ به طوری که با گسترش چشمگیر اعتقادات «دین علی (ع)» در طول تاریخ به تدریج مذهب شیعه شکل گرفت. (Ibid: xv)

امیرمعزی با اشاره به داستان کشته شدن ابن‌یثربن توسط علی (ع) و ادعای ابن‌یثربی مبنی بر تمایز «دین علی (ع)» از «دین محمد (ص)»، ابن‌یثربی را تنها اسیری می‌داند که علی (ع) درخواستش برای امان را نپذیرفت و او را اعدام کرد. وی با بیان روایات دیگر، به تبیین تمایز و انفکاک «دین علی (ع)» از «دین محمد (ص)» در اندیشه مخالفان می‌پردازد (Ibid:4-8). در نظریه «دین علی (ع)» علی (ع) تنها شخصیت در دوران اوایل اسلام می‌باشد که واژه «دین» در کنار نام او قرار گرفته است. بر این اساس عبارت «دین علی (ع)» هنگامی جلب توجه می‌کند که منابع تاریخی - جز در یک مورد یعنی در کتاب «الاخبار الدوله العباسیه» که کلمه سنت را درباره علی (ع) هم به کار برده تا او را همچون سایر خلفا به عنوان پیشوا معرفی کرده باشد- در مورد خلفای پس از پیامبر (ص) تنها عبارت «سنت» را به کار می‌برند و در موارد اندک عبارت «سنت علی (ع)» یافت می‌شود. بر طبق نظریه «دین علی (ع)»، علت استفاده اندک از عبارت «سنت علی (ع)» این است که در حیطه‌های فقهی و قضایی، علی (ع) تصمیماتی همچون تصمیمات دو خلیفه اتخاذ می‌کرد؛ در نتیجه شیعیان با نفرت داشتن از سه خلیفه اول از احکام فقهی ابن عباس پیروی می‌کردند و نه از احکام علی (ع). لذا «دین علی (ع)» دارای بارمعنایی فراتر از سنت است و گستره آن بیشتر از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری یا تصمیمات مربوط به زندگی روزانه اعم از مادی و معنوی را شامل می‌شد؛ به طوری که «دین علی (ع)»، مجموعه‌ای از اعتقادات یا بهتر بگوییم اعتراف یک شخص، به ایمانی شامل اعتقادات دینی و غیر دینی و همچنین الهی و دنیوی می‌شود (Ibid:8-12).

امیر معزی، تأکیدات قرآن در مورد احترام به خانواده پیامبر (ص)، پیوندهای خونی، سخاوت نسبت به خویشاوندان نزدیک رسول خدا (ص) (Ibid:17)، عمل مؤاخات (انتخاب برادر) و همچنین نسب اصیل و روابط دیگر میان پیامبر (ص) و علی (ع) را نشأت گرفته از باورهای اعراب پیش از اسلام می‌داند (Ibid:22-40). وی تأثیرپذیری از باورهای اعراب پیش از اسلام و همچنین تأثیرپذیری از اعتقادات یهود - همچون مفهوم «بیت داود» که در کوفه شناخته شده بود و بر طبق آن رهبری جامعه به طور انحصاری برای آیندگان در بیت داود باقی می‌ماند - (Ibid:40) را از مهم‌ترین عوامل در مشروعیت بخشی به تئوری «دین علی (ع)» معرفی می‌کند.

معنای لغوی و اصطلاحی دین

لغت «دین» در عربی، از مصدر فعل «دان یدین»، ده مرتبه در قرآن به کار رفته است. این واژه در کتب لغت دارای معانی بسیاری همچون: پرستش قوای خارق العاده طبیعت، عبادت خدا و پرستش او، مذهب، سیره و راه و روش زندگی (جبران مسعود، قمری، ۳۱۷)، هر روشی که با آن عبادت خداوند متعال شود، ملیت و مذهب، پرهیزگاری، چگونگی، معصیت، عادت، پاداش و کیفر، کشور و سلطان و حکم، قضاوت، آکراه، چیرگی، حساب (بستانی، ۱/ ۳۸۳) است. راغب می‌گوید شریعت را به اعتبار طاعت و فرمانبرداری، «دین» گویند و آن مانند ملت و طریقت است، لکن انقیاد و طاعت در آن ملحوظ می‌باشد. طبرسی در ذیل «آیه: ۱۹» آل عمران می‌گوید: «طاعت و انقیاد را دین گفته‌اند زیرا که طاعت برای جزاست»؛ یعنی خداوند به طاعت پاداش خواهد داد. در هر حال، شریعت را از آن جهت «دین» گفته‌اند که در آن طاعت و پاداش است. ناگفته نماند این کلمه در قرآن مجید به معنی جزا و شریعت و طاعت آمده است و از آن ملت نیز تعبیر شده است (قرشی بنایی، ۳/ ۳۷۹) همچنین با توجه به تحلیل‌هایی که توسط آر. بی. سجننت و ام.ام. براومان انجام گرفته است، واژه دین در زمان‌های پیش از اسلام، به قوانین سکولار و مقدس اختصاص داشت. (Serjeant, 1962: 41-50 - Bravmann, 1972: see index under 'dana(dyn)', 'din' and pp.4-7 'Murawah and din')

در تبیین معنای اصطلاحی «دین»، الهیون آن را چنین تعریف کرده‌اند: «دین، مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است، پس دین، مصنوع و مجعول الهی است به این معنا که قوانین فقهی و محتوای حقوقی آن را خداوند تشریح و جعل می‌کند؛ همان گونه که محتوای اخلاقی و این که چه اموری جزء اصول اعتقادی این مجموعه باشد نیز از طرف ذات اقدس اله تعیین می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۹).

معنای «دین» در کلام علی (ع)

«دین» در کلام علی (ع) علاوه بر آن که گاهی در معنای لغویش استعمال شده است (مجلسی، ۳۲/۲۵۴) گاهی نیز اطلاق اصطلاحی آن، در معنای «دین پیامبر گرامی اسلام (ص)» که از جانب خداوند است» در کلام علی (ع) یافت می‌شود و گاه در معنایی وسیع‌تر شامل هر نوع شیوه و سبک زندگی اعم از الهی و غیرالهی است (ثقفی، ۱/۲۰۰).

هنگامی که در کلام علی (ع) کلمه دین به صورت تنها اطلاق می‌شود مقصود از آن «دین اسلام» است؛ به طوری که وقتی از ایشان در مورد سخن پیامبر مبنی بر «پیری را با خضاب بپوشانید و خود را همانند یهود مگردانید» سؤال می‌شود؛ می‌فرماید: «مرد دین در آن زمان کم بود و حال که شمار مردان دین بسیار است هر کس هر آنچه می‌خواهد انجام دهد.» (رضی، ۴۷۱). به دیگر بیان، علی (ع) اطلاق دین‌دار را برای همه موافقان و مخالفان خود که در تحت لوای اسلام قرار داشتند، می‌داند (همان، ۲۵۹). گرچه ایشان، عترت پیامبر (ص) را جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی، و نگهبان کتاب‌های آسمانی و کوه‌های همیشه استوار دین خدا می‌دانست که خدا به وسیله اهل بیت (ع) پشت خمیده دین را راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت (همان، ۴۷). با بررسی موارد اطلاق «دین» توسط علی (ع) مشخص می‌شود که استفاده از کلمه مذکور، مقید در موارد اعتقادی مرتبط با مسأله خلافت نبود، چنان که در مواردی چون قضاوت در مورد مسائل اجتماعی و ضرورت رجوع به حاکم که این عمل را موجب کمال دین می‌داند نیز استفاده شده است (همان، ۶۱). در کلام علی (ع)، رضایت به قضای الهی و قناعت، از عوامل حفظ دین شمرده می‌شود (کلینی، ۵/۵۷). وی هنگامی که به مسأله خلافت نظر داشت انحراف مخالفان را انحراف در محدوده دینداری - و نه انحراف از اصل دین - معرفی می‌کرد (مجلسی، ۱۱۷/۲۳) و اهل بیت (ع) نیز به عنوان عاملان به دین و تابعان از دین، معرفی می‌شدند (تمیمی آمدی، ۷۴۰).

تفاوت اصطلاحات «دین» و «سنت» در زمان صحابه

بر طبق برخی مطالعات، کلمه «سنت» در آغاز به «یک راه مشخص شده بر روی زمین اطلاق می‌شد که تنها شخص می‌تواند با میل و اراده خویش بر روی آن، حرکت نوسانی داشته باشد». اطلاق می‌شد و با گسترش معنایی به راهی اطلاق شد که دانایان و سالخوردگان یک قبیله آن را می‌پیمایند و دیگران باید آن را محتاطانه دنبال کنند (Bravmann, 1972: see index under 'sanna', 'sunnah').

در قرآن، کلمه «سنت» یازده مرتبه به معنای «طریقه و رویه» به کار رفته است (انفال: ۳۸؛ فاطر: ۴۳؛

غافر: ۸۵؛ حجر: ۱۳؛ اسراء: ۷۷؛ كهف: ۵۵؛ احزاب: ۳۸، ۶۲؛ فتح: ۲۳؛ آل عمران: ۱۳۷؛ نساء: ۲۶) در آغاز پیدایش دین اسلام، کلمه «سنت» به مجموعه رفتارهای دنیوی و اخروی، گفتار و رفتار خردمندان و خصوصاً الگوهای رفتاری پیامبر (ص) و خلفای ایشان اطلاق می‌شد (کلینی، ۶۳/۸؛ الاخبار الطوال، ۱۹۹؛ تاریخ طبری، ۱۶۵/۴).

چنان‌که از منابع تاریخی قابل استنباط است، کلمه «دین» در زمان پیش از اسلام به هر نوع طریق و روش زندگی اعم از سبک زندگی الهی و یا غیر الهی اطلاق می‌شد (برای نمونه، ر.ک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۲۱۴/۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ۵۵۳/۱؛ طبری، ۳۱۳/۲) در زمان صحابه نیز «دین» به همین معنا استعمال می‌شد و معانی عام آن (اعم از سبک زندگی الهی و غیرالهی) مدنظر قرار می‌گرفت؛ اما در غالب موارد - مگر در موارد محدود (به عنوان نمونه، ر.ک: ثقفی، ۲۰۰/۱)، هنگامی که بدون مضاف الیه مورد استفاده قرار می‌گرفت، مراد از اصطلاح «دین»، دین الهی و دین پیامبر خاتم (ص) بود (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه‌های ۴، ۳، ۱، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۴، ۲۳۲، ۲۰۷، ۱۸۶).

معنای «دین» که به تدریج پس از ظهور اسلام خاص‌تر شد، از مفهوم اولیه‌ای شامل مفاهیم الهی و غیرالهی اقتباس می‌شد. لذا به نظر می‌رسد علت اطلاق اصطلاح «دین» در معنی عام آن در زمان صحابه را می‌توان مستند به استعمال رایج معنای «دین» در پیش از اسلام دانست که همچنان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

شهرت اصطلاح «دین علی (ع)»

اصطلاح «دین علی (ع)» در زمان صحابه پیامبر (ص) دارای شهرت بوده است به طوری که نه تنها مخالفان ایشان بلکه موافقان علی (ع) نیز شیعیان را با عبارت «پیروان دین علی (ع)» مورد خطاب قرار می‌دادند که در ادامه به بررسی نمونه‌های آن خواهیم پرداخت:

۱. دشمنان علی (ع) و اصطلاح «دین علی (ع)»

با بررسی روایات و اسناد تاریخی مشخص می‌شود که دشمنان و مخالفان علی (ع) در هنگام مواجهه با یاران و پیروان علی (ع) آن‌ها را با عنوان پیروان «دین علی (ع)» خطاب می‌کردند تا جایی که برخی اوقات وقتی در هنگام جنگ در حال شکست قرار می‌گرفتند با معرفی خود به عنوان پیرو دین علی (ع)، سعی می‌کردند تا از معرکه جنگ فرار کنند. در اثنای جنگ جمل و وقایع سال سی و شش هجری قمری، میمنه سپاه علی (ع) بر میسر دشمن حمله کرد. دشمن نیز شروع به مقابله با سپاه علی (ع) کرد و جنگ از اول روز تا عصر ادامه یافت و هنگامی که خود را ناتوان دیدند به عایشه پناه بردند؛ درحالی‌که بیشتر

آن‌ها از قبایل ضبه و ازد بودند در این حین، یکی از قبیله ازد فریاد زد: «برگردید و حمله کنید». محمد بن علی (محمد حنفیه) او را با شمشیر زد و دستش برید آنگاه او دوباره فریاد زد: «ای قبیله ازد بگریزید» آن‌ها گریختند و فریاد می‌زدند: «ما بر دین علی (ع) هستیم» (ابن اثیر، الکامل، ۳/ ۲۶۲).

همچنین در اثنای جنگ صفین، هنگامی که عبدالرحمان بن حسان عنزی و کریم بن عقیف خثعمی که از یاران امیرالمؤمنین علی (ع) بودند به دست سپاهیان معاویه افتادند برای فرار از چنگال ستم معاویه گفتند: «ما را پیش امیر مؤمنان (معاویه) ببرید که ما نیز درباره این مرد (علی (ع)) مانند سخنان وی می‌گوییم.» فردی را پیش معاویه فرستادند و پیغام آن‌ها را به وی خبر دادند؛ معاویه کسی را فرستاد که آن‌ها را پیش من آورد. چون پیش معاویه رسیدند خثعمی گفت: «ای معاویه، خدا را، خدا را که از این خانه گذران به خانه آخرت باقی می‌روی و تو را از کشتن ما می‌پرسند که به چه سبب خون ما را ریخته‌ای؟» گفت: «درباره علی (ع) چه می‌گویی؟» گفت: «همان می‌گویم که تو می‌گویی! (معاویه) گفت: «از دین علی (ع) بیزارم» پس خثعمی خاموش ماند و معاویه نخواست چیزی بگوید» (طبری، ۵/ ۲۷۶).

از معاویه منقول است که وی به عاملانش نوشت: «حدیث درباره عثمان، زیاد و شایع شده، اکنون مردم را به نقل روایات در فضیلت و سوابق معاویه بخوانید، که این نزد ما محبوب‌تر و خوشایندتر، و در برابر برهان اهل این بیت، کوبنده‌تر و سخت‌تر است.» زیاد بن ابیه نامه‌ای در باره حضرتمین به معاویه نوشت که اینان معتقد به «دین علی» و نظر اویند. معاویه نوشت: تمام طرفداران و معتقدان علی بن ابی طالب را بکش. او نیز اینان را از لب تیغ گذراند و مثله کرد (طبرسی، ۲/ ۲۹۵).

در هنگام جنگ جمل نیز، ابن‌یثربی که یکی از مخالفان علی (ع) بود، سرشتر را گرفته بود و رجز می‌خواند و مدعی بود که علباء بن هیشم و زید بن صوحان و هند بن عمرو را کشته است. می‌گفت: «هر که مرا شناسد، من ابی‌یثرب هستم؛ قاتل علبا و هند جملیم و ابن‌صوحان که بر «دین علی» بود.» (طبری، ۴/ ۵۱۷).

بر طبق حدیث دیگری که تاریخ‌نویسان به سندهای مختلف روایت کرده‌اند؛ روزی حجاج بن یوسف ثقفی به قنبر غلام علی (ع) گفت: «از دین او (علی (ع)) بیزاری بجوی!» گفت: «اگر بیزاری جویم مرا بر دین دیگری راهنمایی می‌کنی که بهتر از آن باشد؟» حجاج گفت: «من تو را می‌کشم پس هر گونه کشتی که می‌خواهی» قنبر گفت: «من انتخاب آن را به تو واگذار کردم»، حجاج گفت: «برای چه؟» گفت: «برای آنکه هر گونه مرا بکشی من تو را به همان نحو در روز جزا خواهم کشت، و هر آینه امیرالمؤمنین (ع) به من خبر داد که مرگ من به صورت ذبح از روی ستم و به ناحق خواهد بود»، پس حجاج دستور داد او را کشتند (مفید، ۱/ ۳۲۸).

۲. پیروان علی (ع) و اصطلاح «دین علی (ع)»

پس از بررسی متن‌های روایی و تاریخی، مشخص می‌شود که علاوه بر استفاده دشمنان علی (ع) از عبارت «دین علی (ع)»، این اصطلاح توسط پیروان علی (ع) و شیعیان استفاده شده است و یاران و معتقدان به مکتب علی (ع) با اصطلاح مذکور خود را در مقابل دشمنان معرفی می‌کردند.

ابن ابی شیبیه از عالمان اهل سنت، از قول محمد بن حنفیه نقل می‌کند که وقتی در حین جنگ جمل، مشغول مبارزه با دشمن بودم به مردی حمله‌ور شدم و به او هجوم بردم که در این هنگام آن مرد گفت: «من بر دین علی بن ابی طالب هستم» پس من نیز او را شناختم و او را ترک کردم (ابن ابی شیبیه، ۸/۷۱۱). در کربلا نیز هنگامی که سپاه امام حسین (ع) در حال جنگ با سپاهیان عمر سعد بود، نافع بن هلال مرادی جملی می‌گفت: «من جملی هستم، من بر دین علی (ع) هستم». مردی که مزاحم بن حریش خوانده می‌شد به طرف او آمد و گفت: «من بر دین عثمان هستم!» نافع گفت: «تو بر دین شیطان هستی!» سپس به او حمله کرد و او را به قتل رسانید (ابومخنف، ۲۲۴). همچنین، در خلال یکی از جنگ‌های مختار، رفاعه بن شداد که یکی از پیروان علی (ع) بود، یزید بن عمیر ذی مران همدانی را که خود را خونخواه عثمان معرفی کرد این گونه خطاب می‌کند:

انا بن شداد علی دین علی لست لعثمان بن اروی بولی
لاصلین الیوم فیمین یصطلی بحر نار الحرب غیر مؤتلی

یعنی «من فرزند شداد و بر دین علی هستم من یار عثمان بن اروی (نام مادر عثمان) نیستم. من با کسانی که به آتش دامن زده‌اند دامن می‌زنم و در خور آتش جنگ هستم و باکی ندارم.» (ابن اثیر، الکامل، ۴/۲۳۵).

بررسی واکنش علی (ع) در مورد اطلاق اصطلاح «دین علی (ع)»

ابوبکر محمد بن حسن بن درید الازدی در «کتاب الاشتقاق» به نقل روایتی می‌پردازد که بر اساس آن عمر بن یثربی که یکی از دشمنان علی (ع) بود، پس از اسیر شدن، توبه وی توسط علی (ع) پذیرفته نشد و علی (ع) وی را کشت. ابن درید اضافه می‌کند که علی (ع) در مورد علت این اعدام گفت: «ابن یثربی ادعا می‌کرد (که سه نفر از یاران مرا کشته است)، چون آن‌ها پیرو دین علی (ع) بودند؛ اما دین علی (ع) همان دین محمد (ص) است (این تنها باری بود که علی (ع) اسیرش را کشت)». (ابن درید، ۴۱۳). برخی از خاورشناسان بر طبق گزارش ابن درید، دلیل کشته شدن ابن یثربی را این می‌دانند که ابن یثربی بین «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» تفاوت قائل می‌شد و به طور ضمنی علی (ع) را متهم به پیروی از دین انحرافی

در مقایسه با اسلام می‌کرد، لذا علی (ع) به علت ناراحتی از این موضوع، برای اولین بار اسیرش را به قتل رسانید (Amir-Moezzi, 2011: 4-8).

در کتاب طبری روایت مذکور این گونه نقل شده است: «در هنگام جنگ جمل، ابن‌یثربی سر شتر را گرفته بود و رجز می‌خواند و مدعی بود که علباء بن هیثم و زید بن صوحان و هند بن عمرو را کشته است. می‌گفت: «هر که مرا شناسد، من ابی‌یثربی هستم؛ قاتل علبا و هند جملیم و ابن صوحان که بر دین علی بود.» پس از آن که وی اسیر شد او را پیش علی آوردند و گفت تا گردنش را بزدند.» (طبری، ۵۱۷/۴). همچنین در روایتی دیگر ماجرای کشته شدن ابی‌یثربی این گونه توصیف شده است: «... (وقتی ابن‌یثربی را) پیش علی بردند، ابن‌یثربی گفت: «مرا زنده بدار» گفت: «تو به سه نفر از یاران من حمله بردی و آن‌ها را با شمشیر به قتل رساندی.» سپس علی (ع) دستور داد تا وی را کشتند...» (همان: ۵۱۹/۴).

در مورد ادعای امیر معزی، مبنی بر نقش انفکاک قائل شدن میان «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» در به هلاکت رساندن ابن‌یثربی توسط علی (ع)؛ باید توجه داشت که آنچه ابن‌درید به عنوان علت به قتل رسیدن ابن‌یثربی ذکر کرده است، داخل روایت نیست، بلکه نظر شخصی ابن‌درید است. مشابه روایت مذکور در کتب دیگر همچون تاریخ طبری، علت کشته شدن ابن‌یثربی را قتل سه نفر از یاران علی (ع) می‌داند و در روایات دیگر نیز سخنی در مورد علت این قتل نیامده است. لذا نمی‌توان علت کشته شدن ابن‌یثربی توسط علی (ع) را، ابراز اعتقاد وی مبنی بر جدایی «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» دانست، بلکه علی (ع)، کشته شدن سه تن از یاران خود را علت به قتل رساندن ابی‌یثربی معرفی می‌کند.

مشرّب علی (ع) در برخورد با اسرا نیز مؤید نظریه ماست. علی (ع) همواره کشتن اسیرانی را که سلاح بر زمین افکنده و دست از جنگ برداشته بودند، نهی می‌کرد (ابن‌مزامح، ۴۶۶). علی (ع) اسیری را که آزاد کرده و او دیگر بار به سپاه دشمن پیوسته بود و دوباره به میدان آمده و گرفتار شده بود، آزاد نمی‌کرد و می‌کشت. علی (ع) زخمیان را تمام‌کش نمی‌کرد. وی کسانی را که در میدان نبرد به قوارگاه دشمن گریخته و پشت به میدان کرده بودند نیز نمی‌کشت. علی (ع) چون از سپاه دشمن اسیری می‌گرفت او را آزاد می‌کرد، مگر آنکه آن اسیر خود یکی از یاران وی را کشته بود، که در این صورت وی را به قصاص او می‌کشت (ابن‌مزامح، ۵۱۹). در نتیجه به خوبی می‌توان تأیید نمود که علت کشته شدن ابن‌یثربی توسط علی (ع)، به شهادت رساندن سه تن از یاران ایشان توسط عمر بن یثربی است.

تبیین ائمه (ع) از اصطلاح «دین علی (ع)»

ائمه (ع) همچون پیروان و یا مخالفان علی (ع)، اصطلاح «دین علی (ع)» را مورد استفاده قرار داده‌اند.

ائمه (ع) دین علی (ع) را همان دین رسول خدا (ص) می دانستند؛ به طوری سایر ائمه (ع) نیز خود را از پیروان همان مکتب معرفی می کردند.

در نامه ای که امام حسین (ع) به معاویه می نویسند، این گونه آمده است: «سبحان الله، ای معاویه، گویی تو از مردم مسلمان نیستی و آنان نیز از تو نیستند، آیا تو کشنده حضرمی نیستی که زیاد در نامه ای برای تو نوشت که وی بر دین علی بن ابی طالب است. دین علی بن ابی طالب همان دین پسر عموی وی محمد (ص) است.» (ابن قتیبه، ۱/۲۰۳). حضرت موسی بن جعفر (ع) نیز زمانی که توسط حاکم ظالم بنی عباس، دستگیر شدند فرمودند: «من در این سال گرفتار خواهم شد و کار امامت با فرزندم علی که همانم دو علی است می باشد، اما علی اول علی بن ابی طالب است، و اما علی دیگر علی بن الحسین است، که خدا به این پسر علی فهم و علم و حلم و یاری و مهر و تقوا و «دین علی اول» را داده، و محنت و صبر علی دیگر را...» (مفید، ۲/۲۵۲). همچنین در روایات دیگری نیز که از ائمه (ع) رسیده است، پیروان و یاران علی (ع) با عبارت پیروان «دین علی (ع)» معرفی شده اند (برقی، ۱/۱۴۶؛ ابن طاووس، فلاح السائل، ۲۳۰؛ ابن حیون، ۲/۵۳۶؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ۱/۲۷۶؛ ر.ک: ابن مشهدی، ۶۳۹؛ نوری، ۵/۱۰۰).

بررسی موارد اطلاق پیشوند «دین» در مورد اشخاص در روایات

در مورد روایاتی که در آن ها لفظ دین به غیر نام علی (ع) اضافه شده است، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. دین فرزندان علی (ع) که اوصیای پس از وی خوانده شده اند (طبرسی، ۲/۲۹۷؛ ابن مشهدی، ۶۳۹؛ طوسی، التهذیب، ۳/۱۴۰؛ کلینی، ۲/۵۲۲؛ مفید، ۲/۲۵۲).
۲. در مورد معاویه عبارت «دین معاویه» استعمال شده است (ابن قتیبه، ۱/۱۰۷؛ فسوی، ۳/۳۴۸). «عده ای از بزرگان قبیله بکر بن وائل در نامه ای برای مصقله چنین نوشتند: «ما می دانیم که تو به خاطر خشنودی از دین معاویه به او نمی پیوندی، رغبتی نیز به دنیای او نداری، از علی (ع) نیز منصرف نشده ای و از او گریزان نیستی. لیکن راهی را برگزیده ای که شک را می پروراند.»
۳. در مورد عثمان تعبیر به «دین عثمان» شده است (ابومخنف، ۲۲۴؛ ابن عبدالبر، ۳/۱۰۴۴). «هانی گوید: نافع بن هلال، پیکار می کرد و می گفت: «من جملیم، من بر دین علی هستم». مردی به نام مزاحم پسر حریث سوی وی آمد و گفت: «من بر دین عثمانم.» گفت: «بر دین شیطانی.» و به او حمله برد و خونس ریخت.»

۴. در مورد ملائکه عبارت «دین ملائکه» به کار رفته است (طبری، ۳۱۳/۲).

«ابوطالب به پیمبر خدای گفت: «برادرزاده‌ام دین تو چیست؟» پیمبر خدای پاسخ داد: «این دین، دین خدا و دین فرشتگان و دین پیمبران و دین پدر ما ابراهیم است که خدا مرا به ابلاغ آن مبعوث کرده و سزاوار است که تو نیز دعوت مرا بپذیری و در این کار کمک کنی.» ابو طالب گفت: «برادرزاده‌ام نمی‌توانم از دین خودم و پدرانم بگردم اما تا زنده‌ام کسی با تو بدی نتواند کرد.»»

۵. در مورد یزیدبن معاویه عبارت «دین یزید» به کار رفته است (طبری، ۵۳۱/۵).

«حسان بن مالک در اردن به سخن ایستاد و گفت: «ای مردم اردن! درباره ابن زبیر و مقتولان حره چه می‌گویید؟» گفتند: «می‌گوییم که ابن زبیر منافق است و مقتولان حره در جهنم‌اند.» گفت: «درباره یزید بن معاویه و مقتولان خودتان در جنگ چه می‌گویید؟» گفتند: «می‌گوییم که یزید بر حق بود و مقتولان ما، در بهشتند.» گفت: «من می‌گویم: اگر دین یزید بن معاویه وقتی زنده بود بر حق بود، هم اکنون نیز دین وی و یارانش بر حق است و اگر ابن زبیر و یارانش آن روز بر باطل بوده‌اند، اکنون نیز او و یارانش بر باطل‌اند.» گفتند: «راست گفתי، ما با تو بیعت می‌کنیم.»»

۶. در مورد فاطمه (س) عبارت «دین فاطمه (س)» به کار رفته است (ابن طاووس، اقبال الاعمال،

۲۳۰).

«به نام خداوند رحمت‌گستر مهربان. شب و صبح نمودم در حالی که بر اساس دین و آیین حضرت محمد (ص)، و بر اساس دین و آیین حضرت علی (ع)، و طبق دین حضرت فاطمه (س) و بر دین اوصیاء (ع)، به خدا ایمان آوردم. ایمان آوردم به باطن و ظاهر و نهان و آشکار ایشان، و در این شب و این روزم از تمام آنچه که حضرت محمد (ص) و علی و فاطمه و اوصیاء از آن پناه بردند، به خدا پناه می‌برم، و با هر چه که بدان میل و رغبت داشتند، به خدا متمایلم. هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به وسیله خدا.»

۷. در مورد حسن بن علی (ع) و حسین بن علی (ع) عبارت «دین حسن و حسین» به کار رفته است.

(البلاذری، ۱۹۶/۳).

«عبد الرحمان بن عبد الله بن الکلدن می‌گفت: من بر دین حسن و حسین هستم.»

بررسی علت اطلاق اصطلاح «دین علی (ع)»

در مورد علت اطلاق اصطلاح «دین علی (ع)» به پیروان علی (ع) توسط موافقان و مخالفان می‌توان به

رویکرد فقهی-قضایی و همچنین رویکرد سیاسی ایشان اشاره کرد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

۱. رویکرد فقهی و قضایی علی (ع)

علی (ع) پس از فوت نبی اکرم (ص)، سعی کرد تا به احیای سنت و سیره پیامبر (ص) در جامعه

بپردازد و بر اساس ارتباط با عالم غیب و آموزش‌هایی که از نبی (ص) آموخته بود، اوامر و احکام الهی را ابلاغ و تفسیر نماید. تبیین و تفسیر قرآن و سنت پیامبر (ص) در احکام فقهی و اجرای احکام قضایی که بر طبق سنت پیامبر (ص) انجام می‌گرفت، روش و سیره جدید ولی همراستا با سیره نبوی را پس از خلافت ابوبکر، عمر و عثمان به نمایش گذاشت. در این بخش، ابتدا به نقد شبهه امیر معزی مبنی بر «عدم تحقق (سنت علی (ع))» و تبعیت علی (ع) از سیره خلفا خواهیم پرداخت و در ادامه منابع فقهی تدوین شده توسط علی (ع) را به عنوان شاهی بر مکتب فقهی ایشان ارائه خواهیم کرد.

سه خلیفه اول که پس از پیامبر (ص)، برخی سنن نبی (ص) را دچار دگرگونی کرده بودند، در عمل با سنت و سیره رسول خدا (ص) به مخالفت پرداختند. ایجاد نماز تراویح در ماه رمضان، سنت‌های خراج (بلعمی، ۱۳/۵۶۶)، منع فرزندان پیامبر (ص) از ارث ایشان که با مخالفت علی (ع) روبرو شد (ابن قتیبه، ۳۱)، قرار دادن «الصلاة خیر من النوم» در اذان صبح (مالک، ۱/۷۲)، منع متعه (چنان که عمر می‌گوید: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله (ص) أنهی عنهما و أعاقب علیهما: متعة النساء و متعة الحج»)، (ذهبی، ۱۵/۴۱۸) از سنت‌های ابداعی دو خلیفه است. تا جایی که عمر به عنوان خلیفه دوم مسلمین، در بسیاری از موارد در اثر بی‌اطلاعی از آیات قرآن دستوراتی می‌داد که با تذکر علی بن ابی طالب (ع) و سایر اصحاب از اشتباهات وی جلوگیری می‌شد و بارها گفت: «اگر علی نبود عمر هلاک شده بود» (ابن عبدالبر، ۳/۱۱۰۳).

وقتی علی (ع) زمام حکومت را به دست گرفت، اکثر مردم که سنت خلفای پیش از علی (ع) وی را ملاک عمل و رفتار حکومت جدید قرار داده بودند با هرگونه تغییر احکام و بازگشت به احکام پیش از خلفا به شدت مخالفت می‌کردند. مردم کوفه از آن حضرت خواستند برای آنان امامی برای نماز تراویح معین کند. حضرت علی (ع) از تعیین امام جماعت خودداری نمود و آن را بدعت شمرد. در این هنگام، مردم، عمل علی (ع) را نوعی مقابله با سیره عمر دانستند و ناله «واعمره!» از مسجد بلند شد (طوسی، التهذیب، ۳/۷۰). مردم را از نماز تراویح منع کرد و حسن (ع) را به جلوگیری آن‌ها فرستاد اما وقتی با ندای «واعمره!» آن‌ها روبرو شد آنان را به حال خود رها کرد (ابن ابی الحدید، ۱۲/۲۸۳). حضرت از نماز تراویح نهی فرمود، اما مردمان فریاد برآوردند: «واسنة عمره!» از خوردن سوسمار و مارماهی نهی نمود، اما آنان از علی (ع) پیروی نکردند. علی (ع) متعه را پس از تحریم عمر حلال اعلام کرد، اما مردم با وی به مخالفت پرداختند. از این قبیل احکام بسیار است. چنان که بخاری در باب مناقب حضرت علی (ع) آورده است که علی (ع) فرمود: «آن گونه قضاوت کنید که پیش از این قضاوت می‌کردید که من اختلاف را خوش ندارم تا مردگان را جماعتی باشد یا چنان بمیرم که یارانم مردند.» (بخاری، ۴/۲۰۹). این روایت تصریح به خطای قضاوت پیشینیان دارد، اما علی (ع) به انجام خلاف آن قادر نبود.

در روایتی در کافی، علی (ع) پس از ذکر بدعت‌های رخ داده در زمان خلفا از علت سکوت خود خبر می‌دهد: «... خلفای قبل از من کارهایی انجام دادند که در آن با رسول خدا (ص) مخالفت کردند و در آن بنای مخالفت با رسول خدا (ص) را از روی عمد داشتند. پیمان او را شکسته و سنت او را تغییر دادند؛ و اگر مردم را بر ترک آن‌ها وادار نمایم و آن‌ها را به جایگاه خود بازگردانم و به آنچه در زمان رسول خدا (ص) بود، لشکر من از گرد من پراکنده شده و تنها باقی می‌مانم و یا با عده کمی از شیعه‌ام که برتری من و وجوب امامت من از کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) را می‌دانند.» (کلینی، ۸/ ۵۸-۶۳). تغییر مکان مقام ابراهیم، غصب فدک، غصب خانه جعفر بن ابی طالب، تقسیم ناعادلانه بیت المال، غصب املاک خیبر، اختصاص خمس به خلفا، گشودن درب‌های جدید در مسجد رسول خدا (برخلاف نظر پیامبر اسلام (ص))، مسح از روی کفش، حلال کردن نیبذ، حرام کردن متعه حج و متعه زنان، تغییر تعداد تکبیرهای نماز میت، بازگرداندن تبعید شدگان زمان رسول خدا به مسجد النبی و منع برخی یاران پیامبر از ورود به مسجد النبی، تغییر شرایط وجوب غسل، تغییر چگونگی انجام وضو و ... از بدعت‌های خلفا دانسته شده است (همان).

علی (ع) که عمر و ابوبکر را دروغ‌گو، خیانت‌کار و حیله‌گر می‌دانست (مسلم، ۵/ ۱۵۲) درحالی‌که پس از فوت عمر بن الخطاب به راحتی می‌توانست با ابراز تبعیت از سنت دو خلیفه به مقام خلافت دست یابد، از پذیرش این مورد به شدت رویگردان بود (یعقوبی، ۲/ ۱۶۲)، ولی به سبب فضای حاکم مجبور به سکوت بود. لذا گرچه علی (ع) در زمان خلافت، به اجرای احکام و سنت خلفای پیشین رضایت داد، اما این عمل، به معنای پیروی علی (ع) از سنت خلفا و نداشتن ایدئولوژی فقهی و قضایی نبود، چنان‌که در بسیاری از موارد، علی (ع) خلفای پیشین را در مسائل فقهی و قضایی راهنمایی و هدایت می‌نمود. در نتیجه گرچه علی (ع) دارای رویکرد معین فقهی - قضایی بود؛ اما شرایط حاکم بر جامعه مانع از تحقق آن شد. شیعه تا پایان قرن اول هجری جز در گرایش سیاسی ضدنظام، به طور کامل خود را از سواد اعظم جامعه مسلمانان جدا نکرده بود. شیعه به مرور زمان و از اوایل قرن دوم که مکاتب حقوقی و فقهی اسلامی رو به شکل گرفتن نهاد، هم به تدریج به صورت یک مکتب فقهی - حقوقی مشخص و متمایز درآمد که بیشترین اعضای آن از تعالیم و نظرات فقهی امام محمدباقر (ع) پیروی می‌کردند (کشی، ۴۲۵). اما مطلب مذکور هرگز به معنی نبود مبنای فقهی برای «دین علی (ع)» نبود. کتب فقهی تدوین شده بوسیله علی (ع) دلیل روشنی بر این مدعاست:

الف) کتاب علی (ع)

امام علی (ع) یک بار در محضر پیامبر (ص) دیده شده بودند که مطالبی را که از پیامبر (ص)

می‌شنیدند، بر ورقی از پوست می‌نوشتند (صفار، ۱/۱۶۳). ارجاعات به کتاب علی (ع) و نقل از متنی که بر اساس اعتقاد عام، امام علی (ع) آن را از سخنان پیامبر (ص) تألیف کرده بود، در روایات قرن دوم هجری فراوان دیده می‌شود. بر اساس یک روایت، عطاء بن ابی رباح، فقیه مکه، در اوائل قرن دوم از این متن آگاه بوده و تردیدی نداشت که آن تألیف امام علی (ع) بوده است (شافعی، ۲/۱۲۶). برخی از روایات آن را به عنوان یک طومار هفتاد ذراعی از پوست وصف کرده‌اند (صفار، ۱/۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹؛ کلینی، ۷/۹۴). گفته می‌شود که این متن، شامل آگاهی‌هایی بود که مردم به دانستن آن در ابواب حلال و حرام و فرائض (ارث) و حتی دیه خش‌ها نیاز دارند (صفار، ۱/۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۴۶؛ کلینی، ۱/۲۳۹، ۲۴۱). در منابع کهن روایاتی از کتاب علی (ع) نقل شده است؛ نماز (طوسی، التهذیب، ۲/۳۲، ۲۵۱؛ کلینی، ۳/۳۹۷؛ صفار، ۱/۱۶۵)، روزه (طوسی، التهذیب، ۴/۱۵۸)، حج (طوسی، التهذیب، ۵/۱۵۲؛ کلینی، ۴/۳۴۰)، جهاد (کلینی، ۲/۶۶۶؛ ۳/۱۵)، بیع (عیاشی، ۲/۲۵)، نکاح و طلاق (طوسی، التهذیب، ۸/۸۲) و غیره.

ب) کتاب الدیات

کتاب الدیات، متنی منسوب به امام علی (ع) درباره دیه نفس یا اعضای بدن از انگشت و چشم و سایر اعضا است. در موارد اندکی از این متن، به «کتاب علی (ع)» یا کتاب «الفرائض» یاد شده است (کلینی، ۷/۳۱۱، ۳۳۰؛ صدوق، ۴/۷۵).

ج) مسند

کتاب «مسند» از جمله آثاری است که هدفش جمع‌آوری سخنان حضرت علی (ع) درباره مسائل عقائد، فقه و اخلاق بود که بسیاری از آن کلمات مشتمل بر احادیث پیامبر (ص) یا حاکی از افعال آن حضرت است. مسانید یعنی مجموعه‌های حدیثی که بر اساس راوی اول، تدوین شده - برخلاف روش شایع تری که به صورت موضوعی به تدوین اخبار و احادیث می‌پرداخت - که بایی از آن اختصاص به روایات نقل شده از امام علی (ع) دارد (احمدبن حنبل، ۱/۷۵-۱۶۰؛ ابویعلی، ۱/۲۲۵-۴۶۲).

د) کتاب ابن ابی رافع

عبیدالله بن ابی رافع، فرزند خادم رسول خدا (ص) دستیار و کاتب رسمی امیرمؤمنان (ع) در دوران خلافت آن حضرت بود. وی در دوره خلافت امام علی (ع)، پیوسته ملازم آن حضرت بود و پس از شهادت ایشان، زمانی که امام مجتبی (ع) به خلافت رسید، همچنان به عنوان کاتب امام حسن (ع) باقی ماند (طوسی، الامالی، ۷۲۹). این کتاب مشتمل بر ابوابی درباره نماز، روزه، حج، زکات و قضاء بوده است (نجاشی، ۶). شیخ طوسی (طوسی، الفهرست، ۱۰۷) این اثر را با نام کتاب «قضایا امیرالمؤمنین (ع)» به

عبیدالله بن ابی‌رافع، نسبت می‌دهد که شاید نام اصلی کتاب بوده است (ر.ک: مدرسی طباطبایی، ۵۳-۵۷).

۲. رویکرد سیاسی علی (ع)

همان‌طور که در روایات بیان شد، گرچه اصطلاح «دین علی (ع)» توسط موافقان و مخالفان علی (ع) مورد استفاده قرار گرفته است و می‌تواند نشان از پذیرش این اصطلاح توسط موافقان و مخالفان باشد، لکن هنگامی که ائمه (ع) استفاده از این عبارت می‌کنند، بلافاصله بر این مطلب که دین علی (ع)، همان دین رسول الله (ص) و دین انبیاء و اوصیاء (ع) است اشاره نموده‌اند (ابن قتیبه، ۱/۲۰۳؛ مفید، ۲/۲۵۲). لذا باید توجه داشت که استعمال جداگانه عبارات «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» را باید ناشی از تفاوت افکار و عقاید علی (ع) با خلفای پس از پیامبر (ص) دانست که این مطلب باعث شد تا پیروان علی (ع) به عنوان گروهی جدا و مستقل از دیگران در جامعه شناخته شوند. چنان‌که وقتی نافع بن هلال خود را پیرو «دین علی (ع)» معرفی می‌نماید، یکی از سپاهیان عمرسعد، در جهت مخالفت با وی، خود را پیرو «دین عثمان» معرفی می‌کند، با این‌که عثمان همانند علی (ع) ادعایی مبنی بر امامت نداشت و هرگز دارای ایدئولوژی متفاوت با خلفای پیش از خود نبوده است، اما به جهت بروز اختلافات سیاسی در مورد به قتل رسیدن عثمان، پیروان وی از عبارت «دین عثمان» استفاده می‌نمایند.

در مورد معاویه و یزید بن معاویه نیز همین ادعا را می‌توان مطرح نمود، چراکه آن‌ها نیز همانند عثمان به عنوان شخصیت‌های دارای بینش و ایدئولوژی مستقل شناخته نمی‌شدند، بلکه آنچه تفکرات آنان را از پیشوایان هم‌عصر آنان جدا می‌کرد تنها بعد سیاسی و اعتقادات سیاسی آن‌ها بود. البته در مورد علی (ع) به علت تفاوت تفکرات و اعتقادات ایشان چه در بعد مسائل اعتقادی و چه در بعد مسائل سیاسی، «دین علی (ع)» را می‌توان به مسائل اعتقادی و سیاسی ایشان که علی (ع) را از تفکرات مخالفان سیاسی و اعتقادی جدا می‌نمود، تعمیم داد.

در مجموع، همان‌طور که پیش از این گفته شد، واژه «دین» به عنوان پیشوند برای افرادی غیر از علی (ع) همچون عثمان، معاویه، یزید و ائمه شیعه (ع) نیز به کار رفته است، اما آنچه که سبب شد تا این واژه در مورد علی (ع) نمود بیشتری را یابد می‌توان اولاً در اختلاف مبنای علی (ع) با خلفای پیشین و ادعای غصب خلافت توسط خلفا و ثانیاً در جبهه‌گیری همسر پیامبر (ص) و برخی صحابه در خونخواهی از عثمان جستجو نمود.

گرچه علی (ع) در زهد و تقوا بی‌مثال بود، اما مخالفت عده‌ای از بزرگان صحابه همچون طلحه و زبیر در خونخواهی خلیفه پیشین و انتقام از علی (ع) و دشمنی و عداوت همسر پیامبر (ص) با علی (ع) و

همچنین کینه توزی معاویه در برافروختن آتش کینه، از عواملی بود که سبب شد تا جبهه‌ای از مخالفان صحابه در مقابل علی (ع) قرار بگیرند. از آن مهم‌تر اختلاف و تفاوت ایدئولوژیکی علی (ع) با خلفای پیشین و ادعای وصی برحق بودن پیامبر (ص) توسط علی (ع) بود. به گونه‌ای که وقتی عبدالرحمن بن عوف در شورای شش نفره از علی (ع) عمل به سیره دو خلیفه اول را طلب کرد، علی (ع) در پاسخ به وی چنین فرمود: «همانا با کتاب خدا و روش پیامبرش نیازی به روش هیچ کس نیست، تو کوشش داری که این امر (خلافت) را از من دور سازی» (یعقوبی، ۱۶۲/۲). ادعای علی (ع) مبنی بر غصب خلافت توسط خلفای پیشین، عدول علی (ع) از تبعیت سنت عمرین و دشمنی برخی صحابه با وی، سبب شد تا رویه علی (ع) در دوران خلافت به گونه‌ای متفاوت از پیشینیان در اذهان شکل گیرد، و اصطلاح «دین علی (ع)» معنا و مفهوم یابد.

همسانی «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)»

تاکنون مشخص شد، کلمه «دین» به هر نوع طریق و روش زندگی اعم از سبک زندگی الهی و یا غیر الهی اطلاق می‌شد (برای نمونه، ر.ک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۲۱۴/۱؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ۵۵۳/۱؛ طبری، ۳۱۳/۲؛ ثقفی، ۲۰۰/۱). استفاده از کلمه «دین» برای اضافه به اشخاص، منحصر به افرادی که دارای سبک و سیره در امور اعتقادی بودند، نشده بود؛ بلکه در مورد اوصیاء و ائمه (ع) و حتی دشمنان ایشان که دارای سنت معین و مشخص فقهی نبودند، همچون عثمان و یزید بن معاویه نیز به کار گرفته شد. بر این اساس، اصطلاح «دین علی (ع)» به عنوان سبک و سیره علی (ع)، نه تنها توسط مخالفان علی (ع)، بلکه موافقان و ائمه اطهار (ع) نیز از این عبارت برای توصیف مکتب پیروان علی (ع) استفاده کرده‌اند، و بکارگیری پیشوند «دین» برای علی (ع) تنها هنگامی مورد مخالفت ائمه (ع) قرار می‌گرفت که از آن سبک زندگی غیرالهی مراد می‌شد (ابن قتیبه، ۲۰۳/۱).

اکنون با توجه به آنچه گذشت، می‌توان ادله زیر را برای همسانی «دین علی (ع)» و «دین محمد (ص)» بیان کرد:

- ۱- پیامبر گرامی اسلام (ص) که سیره و سنت او الهی و قدسی بود، بنابر امر الهی و در ازمنه مختلف، مردم را به پیروی از علی (ع) فراخواند و او را اسوه مؤمنین و مسلمانان معرفی کرد (ر.ک: صفار، ۴۱۳/۱ - ۴۱۴؛ کلینی، ۲۹۴/۱ و ۴۱۵/۲) علی (ع) همچون محمد (ص) معصوم و مصون از خطا و اشتباه بود و عملکرد هر دو مورد تأیید واجب تعالی و همسو بود (برای مثال، ر.ک: کلینی، ۲۸۷/۱ و ۴۲۳). به یقین اگر سیره و عملکرد علی (ع) خلاف سنت الهی بود، مورد توجه باری تعالی و امر به پیروی از آن قرار

نمی‌گرفت.

۲- ائمه (ع) و اوصیای دین، به صراحت «دین علی (ع)» را همان «دین محمد (ص)» معرفی کرده‌اند (ابن قتیبه، ۲۰۳/۱، برقی، ۱/۱۴۶).

۳- علی (ع) همواره دین (به معنای طریق و روش زندگی)، سنت و سیره پیامبر (ص) و کتاب خدا را به عنوان ملاک و اسوه عمل خود قرار داده بود و حتی در شرایطی که تمسک به سیره غیر نبی می‌توانست خلافت را برای او به ارمغان آورد، از پذیرش آن امتناع کرد (یعقوبی، ۲/۱۶۲).

نتیجه‌گیری

لغت «دین» دارای معنای لغوی و اصطلاحی متفاوتی است و معنای «طاعت و انقیاد» را می‌توان به عنوان روح مشترک معانی لغوی و اصطلاحی آن مورد توجه قرار داد. اصطلاح «دین علی (ع)» که دارای معنایی متفاوت از کاربرد کلمه سنت برای خلفای پیامبر (ص) است؛ توسط ائمه (ع)، پیروان علی (ع) و دشمنان ایشان نیز استعمال شده است، لکن در روایات شیعه و اهل سنت، اضافه نام شخص به کلمه «دین» منحصر به علی (ع) نیست، بلکه در مورد عثمان، معاویه، یزید بن معاویه، اوصیاء، ملانکه، فاطمه (س) و حسنین (ع) نیز اطلاق شده است. در نهایت با بررسی منابع روایی مشخص می‌شود که رویکرد فقهی و قضائی و رویکرد سیاسی علی (ع) علت انحصار اضافه کلمه «دین» به علی (ع) در میان خلفا است و در حقیقت معنای «دین» در اینجا به همان معنای لغوی آن است که تنها دال بر نوعی مکتب و ایدئولوژی بود و برخلاف اعتقاد برخی خاورشناسان، «دین علی (ع)» همان «دین محمد (ص)» است و دین علی (ع)، دارای معنایی اعم از سنت علی (ع) است و جدای از آن نیست؛ به طوری که علی (ع) دارای مبانی معین و مشخص فقهی و قضائی متمایز از خلفا بود اما به علت عدم تبعیت مردم از احکام و قوانین ای که علی (ع) مایل به اجرای آن‌ها بود، برخی سنن خلفای پیشین که مورد تعصب مردم پیروی سیره و سنت خلفا قرار داشت در حکومت علی (ع) اجرائی شد.

منابع

ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۶۶.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.

ابن ابی شیبیه، عبد الله بن محمد، المصنف، تحقیق سعیداللحام، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ

- اول، ۱۴۰۹ ق.
- ابن الأثیر، علی بن محمد، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
- _____، *الکامل*، بیروت، دارصادر- داربیروت، ۱۳۸۵ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد*، بیروت- لبنان، دارصادر، بی تا.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- ابن درید، محمد بن حسن، *کتاب الاشتقاق*، بغداد، چاپ عبدالسلام محمد هارون، ۱۳۹۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *اقبال الاعمال (ط- القدیمة)*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- _____، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *الامامه و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالضواء، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، *وقعة الطف*، محمد هادی یوسفی غروی، ایران، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تصحیح جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- بستانی، فؤاد، *فرهنگ ابجدی*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *کتاب جمل من انساب الاشراف*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
- بلعمی، ابوعلی، *تاریخنامه طبری*، مصحح: محمد روشن، تهران، انتشارات البرز، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، عبد الزهراء حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- جبران مسعود، عبدالستار قمری، *فرهنگ رائد الطلاب*، تهران، انتشارات دانش پژوه، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، تهران، اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

پاییز و زمستان ۱۳۹۶ تحلیل و مفهوم شناسی کلامی اصطلاح «دین علی (ع)» در منابع روایی فریقین ۱۰۱

- خدایار محبی، منوچهر، *بنیاد دین و جامعه شناسی*، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۲.
- دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸.
- ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام*، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- زکار، سهیل، *تاریخ العرب و الاسلام*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- شافعی، محمد بن ادریس، *الام*، قاهره، ۱۳۲۱ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه (للصیحی صالح)*، قم، چاپ هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)*، ایران، قم، مکتبه آیت الله المرعشی چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشرالمرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق.
- _____، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- _____، *التهدیب*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- _____، *الفهرست*، قم، انتشارات ستاره، ۱۴۲۰ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، محقق هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه العلمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
- غلامی، یوسف، *پس از غروب*، تهران، انتشارات نجم الهدی، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- فسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفه و التاریخ*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۰۱ ق.
- قرشی بنابی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- مالک بن انس، *الموطأ*، تصحیح و تعلیق: محمد فواد عبد الباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار (ط - بیروت)*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مدرسی طباطبایی، حسین، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم، نشر مورخ، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، طبعه مصححه و مقابله علی عده مخطوطات و نسخ معتمده، بی تا.

مفید، محمدبن محمد، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، کنگره شیخ مفید چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

مقدس، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیة، بی تا.

موصلی، ابویعلی احمد بن علی، *مسند ابویعلی*، حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث، بی تا.

نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

Amir-Moezzi, Mohammad Ali, *The Spirituality of Shi'i Islam: Belief and Practices*, London, The Institute of Ismaili Studies, (2011)

Bravmann, M.M, *The Spiritual Background of Early Islam*, Leiden, (1972).

Madelung, W, *The Succession to Muhammad*, Cambridge, (1997).

Serjeant. R.B, "Haram and hawtah, the Sacred Enclave in Arabia", in A.R. Badawi (ed.), *Melanges Taha Husain*, (Cairo 1962), pp 41-58.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی